



آیت‌الله جوادی آملی: آزادی، تکوینی، زمینه کمال انسان را فراهم می‌کند

آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این‌که آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» ناظر به آزادی تکوینی انسان در نظام خلقت است، این آزادی را سبب کمال انسان دانست و نسبت به خلط نکردن آزادی تشریعی و تکوینی تأکید کرد.

آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این‌که آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» ناظر به آزادی تکوینی انسان در نظام خلقت است، این آزادی را سبب کمال انسان دانست و نسبت به خلط نکردن آزادی تشریعی و تکوینی تأکید کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی امروز چهارشنبه در درس تفسیر خود در ادامه شرح و توضیح سوره مبارکه زمر با قرائت آیه «أَمِنْ هُوَ قَنِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» گفت: این‌که فرمود عالم با غیرعالم یکسان نیستند، کسانی را می‌گوید که علم نافع دارد، «العلماء باقون» علم الهی باقی می‌ماند.

وی ادامه داد: علوم الهی اول باید صائب و صحیح باشد، کسی که خطای فکری و خطای علمی ندارد و مصون از خطای فکری و عملی است و بهره‌مند از علم صائب و عمل صالح است، از ما عندالله برخوردار است، این نشانه آن است که بقا از راه علم با عمل می‌گذرد، اگر کسی عالم بدون عمل است باید عمل صالح را به دست بیاورد و کسی که علم ندارد باید هم علم صائب و هم عمل صالح را به دست بیاورد.

وی افزود: این طرز خطاب آیه 9 نیز نشان می‌دهد که می‌فرماید آیا کسی که در پاسهایی از شب، گاه به سجده و گاه بر پا، نیایشگر است و از آخرت بیم و به رحمت پروردگارش امید دارد [بهتر است یا مشرک غافل ناسپاس عبادت در مکه وجود داشت اما این‌که به چه سبک بود، بحث روایی خاص خود را دارد، اما بعضی از عبادات مانند زکات، خمس و روزه در مکه وجود نداشت.

تکاثرتطلب تنها دنیا را در نظر می‌گیرد

مفسر برجسته قرآن کریم با اشاره به آیه «قُلْ يٰٓعِبَادِ اللّٰهِ اٰمَنُوْا اَتَقُوْا رَبَّكُمْ لِلَّذِيْنَ اٰحْسَنُوْا فِىْ هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّارْضُ اللّٰهُ وَسِعَةً ۚ اِنَّمَا يُوقِى الصّٰیِرُوْنَ اٰجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» اظهار کرد: بگو به بندگان که ایمان آورده‌اند که تقوا داشته باشند، تقوا از «وقایه» به معنای سپر است، یعنی این‌که همیشه سپر دستتان باشد که تیر بهتان نخورد، نگاه به نامحرم همچون تیری است از طرف شیطان، البته تنها نگاه به نامحرم تیر نیست، بلکه غیبت، تهمت و اختلاس هم تیری از تیرهای شیطان است، آیه محل بحث تمثیلی است نه تعینی، بعد فرمود این تقوایی که انسان دارد برای کسانی که در دنیا کار خوب انجام دادند حسنه دارند، خیلی‌ها هستند که در دنیا کارهایی انجام دادند اما حسنه نیست.

وی ادامه داد: مردان الهی در دنیا به خداوند می‌گویند به ما حسنه بده، مال طیب و طاهر به ما عنایت فرما که نفع آن را به دیگران برسانیم، اما برخی از مردم تنها دنیاطلب هستند و خداوند در سوره مبارکه بقره می‌فرماید اینان در آخرت بی‌بهره هستند، خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید این مال و اموال آنان شما را به شگفتی و تعجب واندازد، اگر کسی کج‌راهه رفته و وضعیت خوب است این داشتن مال شما را به شگفتی واندازد، این‌ها حسنه نیست، بلکه تکاثر است، داشتن تکاثری تعجب شما را برنینگیزاند، بلکه داشتن کوثری مطلوب است، آن‌که کوثرخواه است می‌گوید خدا یا در دنیا و در آخرت به من ببخش ولی تکاثرتطلب تنها دنیا را در نظر می‌گیرد.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: در سوره مبارکه زمر گریه سوره مکی است اما معنای «وَأَرْضُ اللّٰهِ وَسِعَةً» را به نحوی به جهاد می‌توان نسبت داد، «إِنَّمَا يُوقِى الصّٰیِرُوْنَ اٰجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»، یکی از احتمالات به کار بردن لفظ بی‌حساب این است که آن قدر خداوند به صابران عطا می‌کند که به حساب در نمی‌آید، احتمال دیگر به این معنا است که بی‌حساب بودن یعنی این که یک عده اصلاً زحمت بازپرسی و سؤال کردن از طرف فرشته‌ها را ندارند، اما به غیر حساب به معنای بی‌حساب و کتاب اصلاً در کار خداوند نیست، «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» بی‌حساب نه یعنی گتره‌ای، بلکه عده‌ای را حاضر می‌کنند و سؤال جواب می‌کنند اما صابران را پرسشی ازشان نمی‌کند.

معنای اول بودن پیامبر در اسلام

وی با قرائت آیات «قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لِّهِ الدِّیْنَ» و «اُمِرْتُ لِاَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ الْمُسْلِمِیْنَ» خاطرنشان کرد: آن پرستش خالص و صد درصد دین است، دین یعنی همان مقدار که خالص باشد، پیامبر(ص) در این آیه می‌فرماید من مأمور هستم که خداوند را عبادت کنم و دین را هم برای او با اخلاص داشته باشم و هم مأمور هستم که پیشگام باشم، امام علی(ع) در بیانی در نهج‌البلاغه می‌فرماید من هیچ امر و نهی‌ای به شما نکردم مگر اینکه خود در آن پیشگام بودم، دو نوع اول بودن داریم، یک اول بودن نسبی و دیگر اول بودن مطلق است، اول بودن نسبی یعنی پیامبر(ص) در بین امت پیشگام باشد.

مؤلف کتاب مفاتیح الحیاة ابراز کرد: که غالباً هر پیامبری نسبت به امت خود از این اول بودن برخوردار است، اما یک اول المؤمنینی در کلمات پیامبر(ص) است که هیچ پیامبری به آن موصوف نشده و آن اول بودن در میان جهانیان و ویژه پیامبر است، خداوند فقط خالص را می‌پذیرد، باید همه عبادت خالصانه باشد، مانند مال نیست که اگر یک بخش آن را انسان زکات یا خمس داد و آن بخش حلال بود تنها بخش حلال آن پذیرفته باشد، بلکه اگر بخشی از عبادت مشرکانه بود، کل عبادت از بین می‌رود.

تکیه بر عقل بی‌نیازکننده انسان از شریعت نیست

وی در پاسخ به پرسشی درباره نقش عقل در نظام هستی گفت: عقل هیچ کاره است، عقل تنها می‌فهمد آن که مهندس و راه‌ساز است خداوند است، عقل می‌گوید من خلق شده‌ام و نمی‌دانم از کجاست، عقل می‌فهمد که نمی‌فهمد، ما از جایی آمده‌ایم که نمی‌دانیم کجاست، اما آن قدر هست که بانگ جرسی می‌آید، این قافله که دارد می‌رود زنگ شترشان از دور به گوش می‌رسد، ما نیاز به یک راهنما داریم، عقل نیاز به راهنما و پیامبر دارد و پیامبر(ص) هم می‌فرماد من پیشگام در توحید هستم، عقل و روایت سراج منیر است، عقل می‌فهمد که خداوند این را درست کرده است، این‌ها نور هستند نور که شدند شریعت را به ما می‌فهمانند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی افزود: عقل می‌گوید خدایی هست، خدا و مبدأ و معاد و وحی و نبوت را او مهندسی نکرد، بلکه کشف کرد، بین کاشف و مهندس خیلی فرق است، آن که مهندس است تنها خداوند است انسان باید به دنبال مهندس برود، از نور وقتی که راهی نباشد چه کاری ساخته است؟ عقل می‌گوید من راهی می‌خواهم، عقل است که خدا، دین، صراط و معاد را می‌فهمد نه این که عقل دین بسازد، عقل چراغ است و از چراغ هیچ ساخته نیست و پیامبر هم می‌فرماید من موظف هستم در توحید پیشگام باشم و شما هم پشت سر من بیایید.

آزادی تکوینی زمینه تکامل انسان را فراهم می‌کند

وی با اشاره به آیه «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» گفت: گرچه وجود مبارک پیامبر(ص) به آن اوج رسیده است که نه از ترس آتش و نه به شوق به بهشت عبادت می‌کند، بلکه بهشت مشتاق به این ذوات مقدسه است، ولی فرق است بین کسی که حبا لله و شکرا لله عبادت می‌کند تا کسی که از ترس جهنم یا شوق بهشت عبادت می‌کند، کسی که حبا لله و شکرا لله عبادت می‌کند مقامات پایین یعنی جنات تجری من تحتها الانهار را دارا هستند، اما «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» را دارا نیست.

مفسر برجسته قرآن کریم ادامه داد: کسی که مقام بالا را دارد یقیناً مقام پایین را هم دارد، مگر ضجه های حضرت امیر درباره خفا من النار و شوقا الی الجنة کم است، اما در این جا بسنده نمی‌کنند که تنها همین را بخواهند، اگر حضرت پیامبر(ص) فرمود من از عذاب روز قیامت می‌ترسم، همه انبیا این ویژگی را دارند چون مقام بالاتر از این را دارند، چون که صد آید نود هم پیش ما است، فرمود شما هم همین را داشته باشیم، شما که نمی‌توانید به آن مقامات بالا برسید.

وی با قرائت آیات «قُلْ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي، فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ» قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» گفت: این که فرمود هرچه را می‌خواهید پرستید این آزادی بیان است، این آزادی تکوینی است نه آزادی تشریعی که همان اباحی‌گری می‌شود، «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» به این معنا نیست که انسان در نظام شریعت هرکس بی‌حجاب بود باشد، اشکالی ندارد، این عذاب‌ها را خداوند برای همین گذاشته است که آزادی در نظام شریعت وجود ندارد، اما بشر آزاد است به صورت تکوینی، تکوین را نباید با تشریع خلط کرد، «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» کمال در آزادی است اما در نظام اسلامی و در نظام شریعت انسان آزاد نیست که هر کار بخواهد بکند، بلکه می‌فرماید آزاد هستید اما بدانید زیانکاران واقعی کسانی هستند که به خویشتن و خانواده‌شان در روز قیامت زیان رسانده‌اند.